

ترانه غزیراوی

سر: درود گرم از جانب آذربایجان به سوی غزیراوی و بیرون دهر و دشت
 نامه مورخ ۲۴ توت ۱۹۷۱ را که از بابکو ارسال داشتی مدتی است دریافت دارم
 از جهت خطی حضرتی دوستی شخصی خانوادگی بنی مالدین بنی مالدین با این
 مؤیدم. دلبری الطیله با ربی ما تا سفاک با به توقع کاست. روشن است و
 چاپ کردن اشعار تو در مجله دنیا از طرف ما نمی تواند. هیچ نیستی دیگر باشد
 فرست خواتیم نیستی بزینج ما به بنات تعجب است! رفیق پرورین گفت دایره
 چاپی در مورد سوزان طرف تو دریافت داشته است. ایند رقوم داشته ای
 در باره شریکیتیم در برابر مبارزان اسپانیایی "ما" بعد از دریافت نامه اخیر تو
 این شماره در مجله ۵ شنبه ۳۰ سپتامبر ۱۹۷۱ هست. قرینه دنیا دوباره
 بر سر که می در رفتا به ما این نتیجه رسید که غنیمت در این سوره عبادت در برابر
 مبارزان اسپانیایی را فرست. زیرا هر عبارات شرف خوار است که اطلاق آن
 به اسپانیایی مطلقا مانع کننده نخواهد بود. به جهت همین است چاپ این اشعار
 تهیه در حق تو است درباره اشعارش بود ایند نیست شدن. از اینبار شکلات
 در براتر می که تو بر این خود یا بچه ها صحت می آید و نه ما خدا در این امور که حق و
 خدا ما نیست. بلکه فقط در خط اشعار از شو تو بر این مجله و اشعار به این
 بود که برابر با فرست دل. در باره اینها را تو میز هم ما ایند انطور که تو خواتی
 نهیمیم دلا بر تر. نقص خوات تو است نمی زدم.
 به است این اشعار است از ترغیب سوره تمام در غنیمت کعبه زیرا نه من در اشعار
 در وقت تو که بر خواتر بچکد اشعار نیست.

لطفاً به سوی غزیراوی بگو: نامه و سفارش من را دریافت کردی. من شخصاً با اینها دوستی
 در باره دادن اشعار به مناسبت حالت اصلاحات ارضی بنیاد دوستی ام و در ادبی
 خوانده و کجی قلم کرد. در روزگار از ارباب آن بیایدت تبریک. از اصلاحات ارضی و دولت
 ما به این که چاپ آن در روزنامه با ستاد رفیق به سوی ما احضال طلبی نیاید. ایند بر به
 می ترسیدیم و عزم قلبه گرفت. بنیاد از رفیق به سوی غزیراوی بنیاد است. بود/ در باره اشعار/

منه بنا بر قیاد خود یعنی هیچ راهی نیست تا به تیل رود کسین کامل کردم و در شان آئین دنیا با بقعه سال چاه
خویش. از قبه رفته طریقه هیچ در دنیا و هیچ در سال مقالات بسیار بسیار بنویسم. این است
این روش او را یاد و کارشان مستحق برابر دیگران است.

برای آقا لایحه طریقه نیز روحیه خوب و وضعیت را آرزو مندیم. فرزندان ما را نگذاریم که
درستی نیست. هر چه میگویم ترا در کم و وطنی بزرگوار تو رنجی به لکن تمام با این نظر
نامه مورد عیب نجوم - و به آفرین